

تأثیر بازرگانان هندی مقیم اصفهان بر تجارت دوره صفوی با تاکید بر بانیان

اصغر قائدان^۱

(دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۴/۲۱ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۳۱)

چکیده

نیازمندی‌های دو سویه ایران و هند و سیاست شاهان صفوی برای توسعه تجارت از عوامل اصلی برقراری مناسبات دوستانه تجاری و سیاسی بین ایران و هند در دوره صفویه بوده است. از این رو مناطق مختلف ایران به ویژه اصفهان، به بازارمناسبی برای کالاهای هندی و فعالیت بازرگانان آن سرزمین تبدیل شد و هزاران نفر از هندیان از جمله بانیان، مولتانیان و صدیقیان در کنار بازرگانان دیگر چون ارامنه، به فعالیت تجاری در این شهر مشغول شدند. اگرچه این بازرگانان هندی در تجارت ایران نقش بسزایی داشتند، اما به سبب اشتغال به فعالیت‌هایی چون صرافی، رباخواری و خارج کردن پول و مسکوکات، آسیب‌هایی از جانب آنان به اقتصاد ایران وارد گردید. از بررسی این اقدامات، گاه چنین برمی‌آید که آسیب‌های فعالیت بازرگانان هندی برای اقتصاد ایران، بیش از منافع آن بوده است، اما نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد که این نگاه، چندان واقع‌بینانه نیست و منافع حضور این بازرگانان از آسیب‌های آن بیشتر بوده است. در این مقاله ضمن بررسی تأثیر بازرگانان هندی مقیم اصفهان بر تجارت دوره صفوی، دلایل حمایت پادشاهان صفوی از آنها، به رغم پرداختن به برخی اقدامات غیر سالم بازرگانی، بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: بازرگانی ایران و هند، بانیان، صدوقیان، صفویان، گجراتیان، مولتانیان

۱. دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی؛ رایانامه: qaedan@ut.ac.ir

مقدمه

سیاست‌های شاه عباس برای توسعه تجارت در عصر صفوی، موجب برجسته شدن نقش بازرگانان هندی در این دوره شد. از یک سو اروپاییان و ایرانیان به کالاهای هندی نیاز فراوان داشتند و از سوی دیگر، هندیان، ایران را بازار مناسبی برای عرضه کالاهای خویش یافتند. از این رو روابط تجاری ایران و هند از طریق دریا و خشکی، در این دوره، بسیار گسترش یافت. در ایران، سه پایگاه دریایی مهم در خلیج فارس، نقش جابجایی کالاها را برعهده گرفتند: ۱- بندر سیراف در جنوب استان فارس کنونی ۲- هرمز که به تصرف پرتغالی‌ها در آمده بود و محلی برای عرضه کالاهای هند شده بود (تاورنیه، ۵۹) و ۳- بندرگمبرون (بندر عباس) که دست کم یک سوم کل کالاهای هندی از طریق این بندر به ایران وارد و از آنجا به اروپا صادر می‌شد. کالاهایی چون منسوجات، ابریشم، مروارید، سنگ‌های قیمتی، فلفل، زعفران و انواع ادویه از هند و جزایر جاوه و سوماترا به وسیله کشتی‌های هلندی به بندرعباس و از آنجا به اصفهان وارد می‌شد. جاده ابریشم که در این دوره به دست شاه عباس بازسازی شد، در تجارت میان ایران و هند، سهم بسزایی داشت. اصفهان به عنوان بزرگ‌ترین مرکز تجاری در دوره صفوی، نقش ویژه‌ای در رونق تجارت داشت. شاه عباس در این شهر، کاروانسراهای باشکوهی برای بازرگانان داخلی و خارجی ایجاد کرد. در پی سیاست‌های شاه عباس و امنیتی که در اصفهان ایجاد شد، این شهر به یکی از مراکز اصلی فعالیت بازرگانانی از کشورهای مختلف چون انگلیس، هلند، پرتغال، فرانسه و هند تبدیل شد (فلاندن، ۱۵۷؛ برای آشنایی بیشتر با رونق بازرگانی در اصفهان و کثرت کاروانسراها و نیز بازرگانان خارجی در این شهر نک: شاردن، ۱۶۰/۷؛ اولئاریوس، ۶۱۳/۲؛ سیوری، ۷۸).

حضور شمار زیادی از بازرگانان هندی چون بانیان، گجراتیان، مولتانیان و صدوقیان، که هر یک چندین کاروانسرا داشتند، یکی از عوامل رونق اصفهان بود. از میان این گروه‌ها، بانیان که پرشمارتر از دیگران بودند، اهمیت بیشتری داشتند. بانیان در کنار تجارت قانونی و صرافی، به فعالیت‌هایی چون ربا خواری و خارج کردن مسکوکات طلا و نقره از ایران که برای اقتصاد صفویه، زیانبار بود، نیز می‌پرداختند. در میان فعالیت‌های بانیان، ربا خواری بیش از دیگر اقدامات، موجب بیزاری مردم از آنان شده بود؛ با این حال در پایان دوره صفوی، جمعیت بانیان در اصفهان، افزون بر پانزده هزار نفر بود. مساله اصلی پژوهش حاضر این است که این تاجران هندی چه نقشی در بازرگانی دوره صفوی

داشتند و فعالیت‌های بازرگانی قانونی و غیرقانونی آنها، از چه قرار بود. همچنین به این پرسش پاسخ داده خواهد شد که آیا فعالیت بازرگانان هندی، برای اقتصاد ایران در این دوره، زیانبار بود یا این که موجب رونق بازرگانی شده بود؟ به علاوه اگر فعالیت‌های این بازرگانان، زیانبار بود، چرا حکومت صفوی فضای کسب و کار را برای آنها فراهم کرد و اقدامات بازرگانی زیانبارشان را نادیده گرفت؟

تاجران هندی مقیم اصفهان

تاجران هندی، یکی از گروه‌هایی بودند که در اصفهان ساکن شدند و به فعالیت‌های بازرگانی پرداختند و با گذر زمان شمار آنها در این شهر بسیار افزایش یافت. این گروه‌های هندی عبارت بودند از:

۱- بانیان

بانیان گروهی از بازرگانان خرده فروش و دوره گرد هندی مقیم اصفهان در دوره صفوی بودند. آنها تیره‌های هندی به نام «وانیا»^۱ از فرقه ویسها^۲، بودند که رنگ پوستشان تیره بود. به نظر می‌رسد این کلمه از واژه سانسکریت بانیک به معنی بازرگان گرفته شده باشد. اروپاییان این نام را غالباً بر بازرگانان شهرهای غربی هند، که در قالب کاروان‌هایی، در داخل آسیا، از چین و ایران تا سرزمین روسیه در گردش بودند، اطلاق می‌کردند (Jeyaseela, 2006؛ فلسفی، ۱۳). به گفته ردولف متی، بانیان، مهم‌ترین بازرگانان در هند به شمار می‌رفتند. و علاوه بر راه‌های خشکی چون راه قندهار، در مسیرهای دریایی خلیج فارس نیز آمد و شد می‌کردند (P.104). سکونت‌گاه اصلی بخش عمده‌ای از بانیان، گجرات و راجستان در غرب و شمال غرب هند بود. اقلیتی از بانیان بارواریس، خوانده می‌شدند که در شهر بارواریا در ایالت راجستان ساکن بودند. این بازرگانان که از طبقات فرودست جامعه بودند با فروشندگان جزو (بقالان) در ایران مقایسه شده‌اند. بانیان، داد و ستد را ابتدا در دهکده و محل سکونت خود با فروش کالاهایی چون لباس‌ها و پارچه‌های کارکرده و برنج و نمک، به فقرا و افراد کم درآمد، آغاز کردند (Irfan Habib, 385). بانیان را افرادی غیرقابل معاشرت، ریاضت کش، گیاه خوار، مکار، هوشیار، خرافاتی و کم جرأت با بدنهای نحیف و سبزه‌رو، وصف کرده‌اند که قدرت زیادی در سازگاری با اوضاع گوناگون داشتند؛ همچنین به پلیدی شیطان باور

1. Vaniya
2. Vaiscias

داشتند در حالی که خود در پرستش بت‌های سنگی، آلت دست شیطان بودند (سیوری، ۷۶، ۷۱). بانیان پیرو آیین جین بودند اما پس از گسترش اسلام در گجرات، در دوره اکبرشاه ببری (حک: ۹۶۳-۱۰۱۴ق)، بسیاری از آنها مسلمان شافعی شدند (کویتین، ۳۱؛ Newman, 206). بانیان در دوره صفویه در بسیاری از شهرهای ایران از جمله بندرعباس، بندر گنگ و هرمز پراکنده بودند. حتی گفته شده است که یک سوم جمعیت بندر عباس را در این دوره بانیان تشکیل می‌داده‌اند (دلواله، ۷۳؛ فیگوئرا، ۶۰؛ Scott, 150, 168). حضور بانیان در برخی از شهرهای شمالی ایران نیز گزارش شده است، زیرا آنها در دهه‌های پایانی قرن هفدهم در مسیر ولگا، فعالیت بازرگانی داشتند و به واسطه صدور ابریشم، شریک تجاری روسیه هم به شمار می‌رفتند (Matthee, 150).

بیشتر جمعیت بانیان در پایتخت صفوی یعنی اصفهان متمرکز بود. تاورنیه (۱۶۳۰/۱) تعداد بانیان ساکن اصفهان را بین ده تا پانزده هزار و شاردن (۱۶۰۷/۷) بیست هزار تن تخمین زده‌اند. اولتاریوس (۴۸/۲) نیز بدون اشاره به شمار بانیان، جمعیت آنان را در اصفهان، بیشتر از دیگر خارجی‌ان دانسته است. آمار شاردن، متعلق به دهه‌های پایانی دوره صفوی است و بیانگر افزایش جمعیت بانیان در این دوره است. هر چند ممکن است این آمار متعلق به همه هندیان مقیم اصفهان و نه فقط بانیان بوده باشد. به نوشته رودلف متی بیشتر دلانان کمپانی هند شرقی هلند، بانیان بودند؛ اشتغال به بازرگانی در میان آنها موروثی بود و فرزندانشان متعهد بودند در کنار پدران خود فعالیت کنند تا پس از مرگ یا بازنشستگی، جایگزین پدر شوند (ص ۱۰۵). بانیان معمولاً کالاها را از جمله شکر، برنج، ادویه و سلاح را به وسیله کشتی و از طریق بندر سورت در غرب هند، به اصفهان حمله می‌کردند (Jeyaseela, 66) و همانند بازرگانان ارمنی، از پرداخت مالیات معاف بودند (Newman, 206). بانیان در اصفهان، تجارت پررونقی داشتند و کاروانسراهایی ویژه آنها در این شهر ساخته شده بود که محل سکونت و فعالیت‌های بازرگانی آنها بود. از جمله می‌توان به کاروانسرای شاهی (گوبه، ۵۹۹)، کاروانسرای شاه در چهار سوی قیصریه در برابر ضرابخانه شاهی در شمال میدان نقش جهان (کنبی، ۲۸۹) کاروانسرای طویله در کنار کاروانسرای شاه، کاروانسرای محبعلی بیگ یا لاله بیگ، کاروانسرای مستوفی سابق در نزدیکی پامنار و کاروانسرای بیگدلی که در نزدیکی کاروانسرای مستوفی بود (شاردن، ۲۷۲/۷-۲۷۵، افشارسیستانی، ۵۴۷-۵۵۰) اشاره کرد. امروزه همه این کاروانسراها با همان اسامی دوره صفوی، موجود است، اگرچه هیچ بازرگان هندی، در آنها تجارت نمی‌کند.

پیتر و دلاواله که خود شاهد فعالیت تجاری بانیان در این کاروانسراها بوده، درباره آداب و رسوم و شیوه زندگی آنها، سخن گفته است (ص ۷۰-۷۱). این بازرگانان لباس‌های سفیدی می‌پوشیدند که انتهای آن در روی سینه، با ماده زعفران به رنگ زرد تیره در آمده و دستار آنان نیز با همین ماده رنگ شده بود (همانجا). دیگر بازرگانان و صنعتگران ثروتمند هندی نیز همانند بانیان، لباس می‌پوشیدند (فیگوئروا، ۶۰). با توجه به سیاست آسان‌گیرانه برخی از پادشاهان صفوی چون شاه عباس اول، بیگانگان و اقلیت‌های دینی از جمله بانیان، در آداب و رسوم و شیوه پوشش خود، آزاد بودند و قوانین مدنی و جزائی ویژه خود را داشتند. هر چند گاه برای اجرای رسومی چون ساتی (سوزاندن همسر به همراه جنازه شوهر)، به آنها سخت‌گرفت می‌شد و مبالغ هنگفتی از آنها دریافت می‌گردید. همچنین گاه ناچار بودند به برخی از حاکمان شهرها، مبالغ زیادی پرداخت کنند تا مانع ذبح گاو به توسط مردم شوند (دلاواله، ۶۲، ۷۳؛ سیوری، ۱۷۱).

بانیان معمولاً با ایرانیان در برگزاری جشن‌های ملی، مشارکت می‌کردند. از جمله در نوروز همانند ایرانیان لباس نو می‌پوشیدند و برای گردش و تفریح به خارج از شهر می‌رفتند و در کاروانسراهای محل اقامت خود زیر چادرها تا سحرگاه بیدار مانده و شب را به شادی می‌گذراندند (دلاواله، ۷۴).

۲- مولتانیان

گروهی دیگر از تجار هندی، مولتان‌ها بودند. مولتان شهری است در کرانه رود سند (در ایالت کنونی پنجاب پاکستان) که در سال ۹۲ق به دستور حجاج و به دست محمد بن قاسم ثقفی فتح شد (بلاذری، ۴۲۳). هزاران نفر از بانیان در دوره صفوی در ایران، به بازرگانی اشتغال داشتند (Fredric, 66). همچنین شمار زیادی از آنها در دهلی به تجارت خارجی سرگرم بودند (Irfan Habib, 382). کمپفر از بازرگانان مولتان‌ها که در زنجان ساکن بودند و مالیات سنگینی می‌پرداختند، یاد کرده است (ص ۸۳). شاردن نیز از کاروانسرای بسیار زیبا در شیراز، متعلق به مولتانیان نام برده است. مولتانیان ساکن در اصفهان، مسلمان شافعی مذهب بودند و تحت سرپرستی شخصی به نام میرزا علی که در کاروانسرای بیگدلی ساکن بود، قرار داشتند. کمپفر تعداد آنان را در اصفهان ده هزار تن، دانسته است (ص ۹۸). البته شاید منظور کمپفر، همه تاجران هندی ساکن اصفهان

باشد. بسیاری از بازرگانان مولتانی از نیوغ و استعداد زیادی در امور تجاری برخوردار بودند (Fredric, 64). مولتانیان نیز همانند بانیان، کاروانسراهایی مخصوص خود داشتند که به نام آنها معروف بود. مولتانیان عمدتاً به تجارت پارچه مشغول بودند؛ برخی از آنها نیز صراف بودند (Newman, 88). برخلاف بانیان، در هیچ یک از منابع تاریخی و سفرنامه‌های دوره صفویه، از مولتانیان به بدی یاد نشده است.

۳- یقیان

از دیگر گروه‌های هندی مقیم اصفهان، که به بازرگانی اشتغال داشتند، جماعت مشهور به صدیقیان بود (floor, 315). این گروه از پیروان نواب صدیق حسن خان (۱۲۴۸-۱۳۰۷ق) از دانشمندان و نویسندگان هندی بودند. اجداد صدیق حسن خان از سادات مدینه بودند که به بغداد رفتند و جد بزرگ وی سید جلال‌الدین گلسرخ به هند مهاجرت کرد. صدیق حسن خان در بریلی (شهری در ایالت اتارپرادش کنونی) زاده شد و دانشهای دینی را در دهلی فراگرفت. سپس به بهوپال از شهرهای مهم ایالت مادیا پرادش کنونی که در آن هنگام مرکز حکومت بیگم‌ها (نواب بهوپال) بود، رفت. وی پس از آن به حجاز سفر کرد و نزد علمای مکه و یمن به کسب علم پرداخت. صدیق حسن خان پس از بازگشت به بهوپال به دربار نواب پیوست و نقش مهمی در حوادث سیاسی و اجتماعی بهوپال بازی کرد. به علاوه در دانشهای دینی نیز شهرت فراوان یافت و بیش از دویست کتاب و رساله به زبانهای فارسی و عربی و اردو در موضوع‌های ادبی و دینی نوشت. گروهی از پیروان صدیق حسن خان، مشهور به صدیقیان، در عصر صفوی در اصفهان به تجارت مشغول بودند. تعدادی از آنها در تیمچه‌ای مخصوص، در مقابل کاروانسرای جده در میدان نقش جهان ساکن بودند (افشار سیستانی، ۵۴۶). این جماعت، به سوداگران نیز مشهور بودند، زیرا علاوه بر خرده فروشی در بازار، از مسیر قندهار نیز به تجارت مشغول بودند (ferrier, 188).

د- صرافی و خروج مسکوکات به توسط هندیان و تأثیر آن بر اقتصاد ایران

علاوه بر تجارت و داد و ستد کالا، مهمترین نقش تجاری بانیان در اصفهان، تأمین اعتبار و معاوضه پول رایج بود. آنان به عنوان صراف عمل می‌کردند و برای این فعالیت خویش حق‌العمل می‌گرفتند و از این طریق درآمد زیادی نصیب آنها می‌شد (متی، ۱۱۸،

(Hamilton, 76; Floor, 24). کاروانسرای علیقلی خان در بازار علاقمندان در چهار سوق، مخصوص صرافان هندی بود که در آن به خرید و فروش سکه و طلا می‌پرداختند. ظاهراً آنان هنگامی که در هند اقامت داشتند نیز اگر چه به صورت غیرحرفه‌ای، به صرافی اشتغال داشتند، هر چند میان آنها و صرافان و بانکداران حرفه‌ای تمایز وجود داشت. برای نمونه وقتی در سال ۱۶۵۰م انگلیسی‌ها با صرافان سورت در خصوص پرداخت بیمه برای محموله یک کشتی دچار اختلاف و مشاجره شدند، از طرف حاکم مورد حمایت انگلیس در سورت، کمیته‌ای چهار نفره از بانیان برای داوری در این زمینه انتخاب شدند، اما صرافان داوری آنان نپذیرفتند و زیربار نرفتند (Irfan Habib, 388). این امر نشان دهنده جایگاه نه چندان تخصصی و حرفه‌ای بانیان در این خصوص است. بانیان در اواخر عصر صفوی به علت کم رونقی تجارت در ایران، در کار پول و معاملات نقدی بحران ایجاد می‌کردند و مشکلاتی را برای تجارت فراهم می‌آوردند (اسکندر بیگ منشی، ۳۰۷/۵، میرزا رفیعا، ۲۹). بانیان بعد از نیمه‌های قرن هفدهم به معروف‌ترین صرافان تبدیل شده بودند و کارشان تا آنجا پیش رفته بود که در این امر جانشین یهودیان به شمار می‌رفتند. به نوشته شاردن (۳۷/۷) با کاهش سهم یهودیان در تجارت، در اوایل قرن هجدهم تعداد یهودیانی که برای کمپانی هند شرقی هلند اعتبار فراهم می‌کردند، بسیار کمتر از بانیان بود و بانیان صراف، جای یهودیان را گرفته بودند. تاورنیه هم بیشترین دلالتان کمپانی‌های اروپائی و بانکداران و صرافان ایران را همین بانیان دانسته است (ص ۷۷۶). همچنین به نوشته رودی متی، منابع کمپانی هند شرقی در سالهای ۱۷۰۶-۱۷۰۸ به ازای هر ده نفر بانی، سه نفر یهودی را ذکر کرده‌اند که برای هلندیان برات تهیه می‌کردند (ص ۱۰۴). این امر می‌تواند نشانگر افزایش نقش کلی بانیان در تجارت هند و ایران باشد.

بانیان از صرافی پا را فراتر نهاده و کم کم به رباخواری بی‌رحم تبدیل شدند و در امور تجاری و اقتصادی، اختلال ایجاد کردند. تاورنیه رباخواری بانیان را به طاعون تشبیه کرده و از نابودی زندگی وام گیرندگان خبر داده است. به همین دلیل چند تن از آنان به دست بدهکاران ایرانی، به طرز فجیعی کشته شدند (ص ۷۷۸). رفتارهای ناپسند بانیان به بدبینی و نفرت ایرانیان و حتی غربی‌ها نسبت به آنها منجر شد (متی، ۱۰۵). ربا خواری هلندیان موجب شد که شاه عباس، کم کم نسبت به حضور آنان در صحنه تجارت ایران بدگمان شود (تاورنیه، ۷۷۸). اگر چه ممکن است گزارش‌های اروپاییان، به سبب

رقابت‌های تجاری آنان با هندیان، بدبینانه و یکسویه تلقی شود، اما گزارش‌های برخی از منابع فارسی در دوره صفوی نیز بیش و کم، از اقدامات زیانبار بازرگانان هندی خبر می‌دهد. به گزارش اسکندر بیگ منشی (۳۰۷/۵) شاه عباس پس از اطلاع از کارهای ناصواب هندیان، برخی از آنها را از کشور اخراج کرد. اما به نوشته میرزا رفیعا، شاه صفی، با هدایا آنان تطمیع گشت و مانعی برای ایشان پدید نیامد (ص ۲۹).

یکی دیگر از اقدامات بانیان که با آنچه امروزه تجارت کثیف خوانده می‌شود، قابل مقایسه است، خارج کردن پول از کشور بود. آنان علاوه بر رباخواری، مسکوکات مرغوب را به همراه بازرگانان ارمنی از کشور خارج می‌کردند و با پرداخت رشوه به حاکم بندرعباس، این مسکوکات را به هند می‌بردند (سانسون، ۱۸۹). شاردن (۶۳/۴) که خود شاهد این اقدام بانیان بوده است، گوید: «آنان (در دوره شاه سلیمان) زر و سیم کشور را از هر جا گرد می‌آوردند، به سرزمین خود می‌فرستند آن چنان که در سال ۱۶۷۷ که من از ایران باز گشتم آنجا تقریباً سکه خوب یافت نمی‌شد و صرافان مذکور همه را برچیده بودند». به نوشته وی، هندیان در مدت بیست ماه داد و ستد در ایران، سرمایه خود را دو برابر می‌ساختند، در صورتی که سودی که بازرگانان ارمنی در سال به دست می‌آوردند، سی تا چهل درصد بود (همو، ۶۵/۴). شاه سلیمان خارج کردن سکه را ممنوع ساخت، اما به گفته سانسون «هندیان علاوه بر آن، پول ونیزی (سکین) و اسپانیایی (اکو) را نیز از راه بصره خارج و به هند می‌بردند به گونه‌ای که شاه ایران که در کشورش معادن نقره ندارد، برای ساختن سکه‌های جدید نمی‌تواند نقره پیدا کند» (ص ۱۸۸). علاوه بر هندیان، آرامنه نیز شمش‌های نقره را از راه بصره به هند می‌بردند و هلندی‌ها در این کار به آنان کمک می‌کردند (شاردن، ۳۳/۷). به نظر می‌رسد هندیان در این کار تنها عامل و واسطه کمپانی هلندی بودند. به نوشته جان فوران در ۱۶۹۷ محموله‌ای هلندی، شامل سکه و طلا به ارزش نزدیک به یک میلیون فلورسین، بندرعباس را به سمت سیلان و سورت ترک کرد (ص ۲۳۸). شمش‌های نقره نیز مخفیانه، از بصره به وسیله کشتی‌های هلندی به بندر سورت برده می‌شد. در دهه ۱۶۴۰ وزن شمش‌های خارج شده از ایران به هند، حدود ۲۵ تن نقره در هر سال بود (Floor, 304). در نامه‌ای که توسط یکی از مدیران کمپانی هلندی از اصفهان به بندر عباس ارسال شده، از حرکت کاروانی از اصفهان یاد شده که در آن ده هزار دوکای طلا حمل می‌شده است. مدیر کمپانی خواهان حفاظت کمپانی از این محموله شد و کمپانی

نیز مردانی مسلح برای حفاظت از آن اعزام کرد (فلور، ۶۵) این امر نشانگر افزایش حجم تجارت مسکوکات، به توسط کمپانی هلندی است. روشن است که خارج کردن پول و نقره از کشور آسیب زیادی به اقتصاد داخلی وارد می‌ساخت.

ه - عوامل استمرار حضور تاجران هندی در ایران به رغم پیامدهای منفی برخی از فعالیت‌های اقتصادی آنها

برخی از فعالیت‌های اقتصادی هندیان چون رباخواری و خروج مسکوکات از ایران، پیامدهای زیانبار و ویرانگری برای اقتصاد ایران داشت. با این حال این گروه از بازرگانان همچنان مورد حمایت صفویان قرار داشتند. حمایت صفویان از بازرگانان هندی، به دلایل زیر صورت می‌گرفت:

۱- صرافی و تبدیل و تعویض پول، از اقدامات لازم و ضروری برای فعالیت‌های اقتصادی است. به نوشته رودی متی، بانیان با محک زدن مسکوکات به منظور کسب اطمینان از عیار و وزن آنها، خدمات مفید و غیر قابل انکاری به بازرگانان ارائه می‌کردند. از این رو به سبب محدودیت‌هایی که برای یهودیان، مشهورترین دلالان پول ایجاد شد، بانیان جایگزین آنها شدند (ص ۱۰۵). با این حال اگر بر این فعالیت ضروری، نظارت‌های لازم اعمال نشود، می‌تواند به اقدامی زیانبار برای اقتصاد تبدیل شود. نظارت بر کار صرافان در عصر شاه عباس به خوبی اعمال می‌شد. شاه عباس پس از آگاهی از فعالیت‌های اقتصادی غیرقانونی بانیان، فعالیت آنها را محدود کرد و حتی تعدادی از آنها را از کشور اخراج کرد (اسکندر بیگ‌منشی، ۵/ ۳۰۷). اما در اواخر عصر صفوی نظارت و کنترل زیادی بر کار این صرافان وجود نداشت؛ از این رو جمعیت بانیان ساکن اصفهان افزایش یافت.

۲- حرمت رباخواری و ممنوعیت این رفتار اقتصادی در اسلام موجب می‌شد تا مسلمانان، چندان درگیر چنین فعالیت‌هایی نشوند. از سوی دیگر، این حرمت شرعی و ممنوعیت، برای هندیان بت پرست وجود نداشت. در نتیجه این فعالیت‌ها از جانب صفویان، به آنها سپرده می‌شد. اگرچه رباخواری بانیان، نارضایی علماء شیعی و مخالفت آنها را در پی داشت (جعفریان، ۳۵۳).

۳- اجناس و کالاهای هندی بویژه منسوجات و پنبه، بسیار مرغوب بودند و بازار خوبی در ایران داشتند. از این رو فعالان بازرگانی در ایران نمی‌توانستند از سود فراوان ناشی از این تجارت، چشم‌پوشی کنند. به نوشته اولناریوس (۲/ ۶۲۰) اجناس ابریشمی و کتان‌های هندیان بسیار بهتر و ظریف‌تر از نمونه‌های ایرانی آن بود.

۴- هند، محل کاشت گونه‌های متنوعی از دانه‌های گیاهی و دارویی، ادویه، خشکبار و حبوبات بود که تنها در آن سرزمین کاشته و تولید می‌شد. بسیاری از این محصولات، در بازارهای ایران پرترفدار بود. عمده‌ترین صادرات هند به ایران پس از پارچه، ادویه و خشکبار بود. از این سرزمین ادویه معطر و غذایی، ادویه دارویی مثل هلبله^۱، بلبله^۲، آمله^۳ زنجبیل پرورده و زنجبیل خشک، فلفل و دارچین، وارد بازارهای ایران می‌شد (عالم آرای شاه طهماسب، ۴۱۰). این ادویه با توجه به سلیقه و ذوق زنان اصفهانی در رنگارنگ کردن و خوش طعم ساختن غذاها، بسیار پرمشتری بودند. کالاهای تولید شده از عاچ فیل نیز مشتری زیادی در ایران داشت (پیگولوسکایا، ۵۴۳).

۵- گوناگونی اجناس و کالاهای وارد شده از هند، بویژه انواع پارچه‌ها، که مشتریان زیادی در ایران و حتی اروپا داشت، از دیگر عوامل استمرار فعالیت بازرگانان هندی در ایران بود. از جمله می‌توان به انواع پارچه‌های سفید چون ساناس (پارچه کتان ساخت بنگال)، کاراس (پارچه کتان ضخیم تولید سورت) تک (پارچه کتان ظریف) و نیز پارچه‌های ابریشمی مثل سامیت و شالباف (تاجبخش، ۳۵۴) و نیز اطلس زربفت، شال کشمیر، منديل‌های زرکار و الجه (عالم آرای شاه طهماسب، ۴۱۰) اشاره کرد.

۶- تنوع کالاهای هند و حجم گسترده کالاها و محصولاتی که از هند وارد می‌شد (سلطانیان، ۶۷) به گونه‌ای بود که موجب تمرکز در سیاست واردات کالاها از جانب حکومت صفوی و به تبع آن کنترل و تمرکز تجاری می‌شد.

۷- ارزان بودن کالاها و محصولات هندی بویژه اجناسی که به توسط بانیان وارد می‌شد و می‌توانست نیازهای اقشار کم درآمد جامعه را برآورده سازد، شاید از مهمترین عوامل رونق تجارت با هندیان بود. برای نمونه پارچه‌های نازک پنبه‌ای برای تولید بسیار مناسب بود. از این روشاه عباس به علت ارزان بودن این پارچه نسبت به ابریشم، استفاده از آن را ترویج کرد. همچنین پارچه‌های ضخیم پنبه‌ای رنگین و دارای نقش و نگار که برای دوختن جلیقه^۴ زمستانه کاربرد داشت، از کالاهای هندی پرمشتری بود (دلواله، ۱۴۲).

۸- حضور بازرگانان هندی در فعالیت‌های اقتصادی در ایران و سلطه آنها بر بازارهای

۱. اهلیج و هلج، از درختان نواحی گرمسیری است که میوه‌اش مصرف پزشکی دارد و آن چند نوع است هلبله بزرگ که کابلی گفته می‌شود و هلبله زرد و سیاه.

۲. بلبله، میوه درختی کوچک چون سیب و به و آلو است که برگی کوچک و دراز دارد و مصرف پزشکی دارد.

۳. آملج، نام درختی هندی که میوه آن را آمله گویند، طعم آن ترش و نازک چون آلو است و مصرف طبی دارد.

داخلی، هیچ گاه زمینه ساز سلطه سیاسی هند بر ایران نبود، درحالی که وابستگی تجاری به دولت‌هایی چون انگلیس، پرتغال و هلند می‌توانست وابستگی سیاسی به آن دولت‌ها و باج خواهی آنها را در پی داشته باشد. از این رو با فعالیت‌های تجاری گسترده هندیان، از جانب صفویان، مخالفت نمی‌شد.

۹- یکی از دلایل حمایت صفویان از بازرگانان هندی، خارج ساختن انحصار تجارت از دست اروپاییان و فراهم کردن زمینه رقابت بازرگانی بود. این سیاست از سوی شاه عباس اول بیش از دیگران، پیگیری می‌شد.

۱۰- قرابت نژادی و اشتراک در برخی از ویژگی‌های اخلاقی و فرهنگی میان ایرانیان و هندیان در مقایسه با اروپاییان، از دیگر عوامل تداوم و پایداری فعالیت‌های تجاری هندیان در ایران بود.

۱۱- شمار فراوان بازرگانان هندی در اصفهان موجب رونق تجارت در این شهر می‌شد. به علاوه هزینه‌هایی که آنان برای سکونت در اصفهان می‌پرداختند، احتمالاً درآمد قابل توجهی را نصیب مردم این شهر می‌کرد.

۱۲- میزان عوارض گمرکی و مالیات‌هایی که از مال‌التجاره بازرگانان هندی دریافت می‌شد نیز، یکی از منابع مهم درآمدهای حکومت صفوی بود و چشم پوشی از این درآمدها برای صفویان کار آسانی نبود.

۱۳- حجم کالاهای هندی و تنوع آن نیز به گونه‌ای بود که بخش زیادی از نیاز بازارهای داخلی را در ایران و اصفهان، مرتفع می‌ساخت و نادیده گرفتن این کالاها موجب برهم خوردن تعادل بازار می‌شد. یکی از سیاحان در سال ۱۶۵۵م، شاهد ورود کاروانی مرکب از هزار شتر با بارهای پارچه و ابریشم و سایر مصنوعات هندی به اصفهان بوده است (Jeyaseela, 204).

۱۴- هند، برای کالاهای ایرانی بازاری مناسب و پرسود بود و صدور این کالاها به هند، به توسط بازرگانان هندی و بانیان مقیم اصفهان، صورت می‌گرفت. در واقع، بازارهای هند، موقعیت مناسبی برای رشد صادرات کالاهای ایرانی ایجاد می‌کرد. بدیهی است صادرات معمولاً در زمانی می‌تواند در منطقه‌ای رشد یابد که تعامل و طرازی نیز در واردات وجود داشته باشد و بازرگانی چیزی جز تعامل در میزان واردات و صادرات نیست، اگرچه ممکن است طراز آن در حداقل باشد. این تعامل می‌تواند باعث رونق تجارت گردد و تجارت با هند این ویژگی‌ها را از هر دو جهت یعنی واردات و صادرات داشت.

مهم‌ترین کالای صادراتی از ایران به هند، ابریشم طبیعی بود که خریدار عمده آن

نیز شرکت بازرگانی هلندی بود. انواع پارچه‌های حریر و قلمکار، انواع و اقسام خشکبار چون گردو و بادام، ترشی‌های تهیه شده از انواع میوه جات و مرباهای پرورده، خرما، شیره و عرق نباتی، ظروف چینی، محصولات چرم‌های ساغری به رنگ‌های گوناگون و تیماج و برخی کالاهای کمیاب و گران‌قیمت چون اسب، نیز از جمله کالاهایی بود که بانیان از ایران به هند می‌بردند (شاردن، ۱۰۶/۴، ۳۴۸؛ کارری، ۱۴۹، ۱۵۳، ۱۷۹؛ باراباروا، ۸۳؛ سانسون، ۳۳). بدیهی است درآمدهای هنگفتی که از صادرات این کالاها به دست می‌آمد، نقش غیرقابل انکاری بر رونق اقتصادی ایران داشت.

هندیان، علاوه بر اصفهان در بنادر جنوبی ایران نیز، سهم زیادی در بازرگانی و داد و ستد کالاها داشتند. از جمله بسیاری از کالاهای هندی از طریق بنادر ایران به اروپا صادر می‌شد. همه این عوامل موجب می‌شد که به رغم برخی از فعالیت‌های غیر قانونی و ناسالم هندیان، چون ربا خواری و خروج مسکوکات، صفویان، سهل انگارانه با این بازرگانان برخورد کنند و بر خطاهای آنها چشم پيوشند.

نتیجه

یکی از راهبردهای مهم صفویان کمک به رونق تجارت در عرصه داخلی و بین‌المللی بود. نیاز دو سویه ایران و هند به کالاها و محصولات یکدیگر و نیز نقش مهم ایران در ترانزیت کالاهای هندی به اروپا، موجب شد تا تجارت میان ایران و هند از رونق بسیاری برخوردار شود. شهر اصفهان و تاجران هندی مقیم در این شهر، یعنی بانیان، صدوقیان و مولتانیان که شمار آنها بیش از بیست هزار تن بود و مراکز تجاری و کاروانسراهای ویژه خویش را داشتند، در گسترش بازرگانی میان ایران و هند نقش مهمی داشتند. به رغم این که برخی از فعالیت‌های این بازرگانان، چون رباخواری و خروج غیر قانونی مسکوکات، برای اقتصاد ایران در دوره صفوی، اثرات زیانباری داشت، صفویان از این بازرگانان حمایت می‌کردند. عوامل متعددی چون تعداد فراوان تاجران هندی مقیم اصفهان، مرغوب بودن و نیز ارزان بودن کالاهای هندی و نیاز ایرانیان به کالاهای آنان و نیز تنوع در اجناس و کیفیت آنها، سیاست راهبردی صفویان مبنی بر توسعه تجارت بین‌المللی، ایجاد رقابت بین ملیت‌های مختلف در عرصه تجارت و در نتیجه خارج کردن انحصار آن از دست ملیتی خاص و نهایتاً جاذبه‌های بازار و کالاهای ایران برای هندیان و بالعکس بازار و کالاهای هند برای ایرانیان، موجب حمایت صفویان از بازرگانان هندی و فراهم ساختن فضای کسب و کار برای آنها شده بود.

منابع

- [۱]. اسکندریبگ منشی، *تاریخ عالم آرای عباسی*، چاپ محمد اسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷.
- [۲]. افشار سیستانی، ایرج، *شناخت اصفهان: مجموعه‌ای از تاریخ، جغرافی، آثار باستانی، اقتصاد منطقه اصفهان*، تهران، هیرمند، ۱۳۷۸.
- [۳]. اولناریوس، آدام، *سفرنامه آدام اولناریوس*، ترجمه محمد کردیچه، تهران، شرکت کتاب برای همه، ۱۳۶۹.
- [۴]. بارباروا، جوزا، *سفرنامه ونیزیان در ایران*، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۸.
- [۵]. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸.
- [۶]. پیگولوسکایا، *تاریخ ایران از دوران باستان تا قرن هجدهم*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، خیام، ۱۳۵۴.
- [۷]. تاورنیه، ژان باتیست، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ابو تراب نوری، تهران، سنائی، ۱۳۶۳.
- [۸]. تاجبخش، احمد، *تاریخ صفویه*، شیراز، نوید، ۱۳۷۸.
- [۹]. جعفریان، رسول، *دین و دولت در عصر صفوی*، قم، انصاریان، ۱۳۷۰.
- [۱۰]. دلاواله، پیتر، *سفرنامه دلاواله*، ترجمه شعاع الدین شفا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
- [۱۱]. سانسون، *سفرنامه سانسون*، ترجمه تقی تفضلی، تهران، ۱۳۷۶.
- [۱۲]. سلطانیان، ابوطالب، *روابط بازرگانی ایران و هند در دوره صفویه*، روابط خارجی، شماره ۴۰، سال ۱۳۸۸.
- [۱۳]. سیوری، راجر، *ایران در عصر صفوی*، ترجمه احمد صبا، کتاب تهران، ۱۳۶۲.
- [۱۴]. شاردن، *سیاحت نامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- [۱۵]. *عالم آرای شاه طهماسب*، به کوشش ایرج افشار، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- [۱۶]. فیگوئروا، دن گارسیا، *سفرنامه دن گارسیا*، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۳.
- [۱۷]. فلسفی، نصرالله، *تجارت ابریشم ایران در زمان شاه عباس اول*، وحید، شماره ۲۴، فروردین ۱۳۵۳.
- [۱۸]. فلاندن، اوژن، *سفرنامه اوژن فلاندن بایران در سالهای ۱۸۴۰-۱۸۴۱*، ترجمه حسین نورصادقی، تهران، اشراق، ۱۳۵۶.
- [۱۹]. فلور، ویلم، *بر افتادن صفویان و بر آمدن محمود افغان*، ترجمه ابوالقاسم سری، بی جا.
- [۲۰]. کارری، جیووانی فرانچسکو، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی، عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸.
- [۲۱]. کمپفر، انگلبرت، *در دربار شاهنشاه ایران*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، انجمن آثار ملی، بی تا.

- [۲۲]. کنبی، شیلا، *هنر و معماری صفوی*، ترجمهٔ مزدا موحد، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۵.
- [۲۳]. گوبه، هانیس، *کاروانسراهای شاه‌ی*، به کوشش کیانی، تهران، سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۴.
- [۲۴]. متی، رودلف، *تجار در عصر صفوی*، ترجمهٔ حسن زندیه، نامهٔ تاریخ پژوهان سال اول، شماره ۱، سال ۱۳۸۴.
- [۲۵]. میرزا رفیعا، *دستور الملوک*، به کوشش محمد تقی دانش پژوه، تهران، بی نا، ۱۳۸۴.
- [26] Fredric, Dale Stephen, *Indian merchants and Eurasian trade 1600-1750*. London, Cambridge university press, 2002.
- [27]. Floor, willem, *The Persian Gulf: A Political and Economic History of Five Port Cities 1500-1730*, paperback - Sept. 15, 2006.
- [28]. Ferrier, R.W. *An english view of Persian trade in 1618*. journal of the economic and sociat history of the orient, 1874.
- [29]. Goitein and Mordechai, *India traders of the middle ages: documents from the Cario ceniza A. Friedman*, Brill, 2006.
- [30]. Jeyaseela, Stephen, *India, gyan publishing house, Indian trade at the Asian triontier*, 2008.
- [31]. Hamilton, A. *A new account of the east Indian Company*, Edinborgh, 1927.
- [32]. Irfan. Habib, *Merchant communities in Precolonial India, The Rise of Merchant Empires: Long Distance Trade in The Early Modern Worl*, London, Cambridge university press, 1990.
- [33]. Scott. Cameronlevi, *The Indian Diaspora in central Asia and its trade 1550-1900*, Brill, 2002.
- [34]. Newman .Andrew, *Indian merchants and Eurasian trade, 1600-1750*. landan, 1990.
- [35]. Matthee. Rudolph, *The politics of trade in Safavid Iran, (silk for silver.1600-1730)*, Cambridge Studies in Islamic civilization, 1999.

